آموزش غیرحرفه ای

آموزه های کاربردی برای آموزش درخانواده

راهنمائی برای خا نواده ها ودا نش آموزان

برگردان وویرایش

دکترعبدالله زرا فشان

پژوهش های سازمان یونسکو

فهرست مطالب

مقدّمه :

آموزش های غیرحرفه ای [1]رامی توان آموزش هائی نامید که توسط مدرّسین غیرحرفه ای برای کمک و همراهی دیگران برای یادگیری ، به روشی دوسویه (مؤثر برای یاددهنده ویادگیرنده) ، هدف مند و سیستماتیک (اصولی) انجام می شود . این روشِ آموزش بیشتربه شکل انفرادی یعنی یک مدرّس ویک شاگرد ، اجرا می شود .

آموزگارغیرحرفه ای می تواند پدریامادرودیگراولیاء کودک ونیزبرادر یا خواهر ودیگراعضاء فامیل ، همشاگردی وداوطلبان گوناگون دیگر با شد . کودکان کمتراز پنج سال به خوبی این روش آموزش رایاد گرفته اند . هرکسی می تواند آموزگارغیرحرفه ای با شد . هرکسی می تواند به شکلی به دیگری برای یادگیری کمک کند . آموزگارغیرحرفه ای در آموزش به دیگری خودنیز چیزهائی می آموزد .

آموزش های غیرحرفه ای پیشینهٔ تاریخی طولانی دارد بطوریکه دردوران باستان در یونان وروم متداول بوده واین حتّا درنگا شته های پیش ازآن نیز آمده است . درطی سده ها واعصار ، این روش آموزش گاهی رواج بسیاردا شته و گاهی میزان کاربردآن به کمترین حدّ رسیده ولی هرگز به کلّی منسوخ نشده است .

نیازی نیست آموزگارغیرحرفه ای دانش فراوان ومهارت بالائی درزمینهٔ ای که آموزش می دهد ، داشته باشد . امّا اگرد ست کم اندکی بیشترازشاگردش بداند ، بهتراست . توجّه داشته باشید که منظورازواژهٔ شاگرد در این نوشته کسی است که آموزش گیرنده است . به هرحال ، اگردانش وآگاهی آموزگارغیرحرفه ای ازشاگردش به اندازهٔ قابل توجّهی بیشتر باشد ، آموزش برای اوچندان کشش و جذّابیتی نداشته ولذا خودش چیز تازه ای نمی آموزد . درآموزش غیرحرفه ای نیازبه وسائل وامکانات ویژه ای نیست ، باکمترین وسائل می توان به بالاترین بازده نیز د ست یافت . آموزگارغیرحرفه ای نباید آنچه راکه فکرمی کند آموزگارحرفه ای در مدرسه انجام می دهد ، تقلید کند . نباید پاسخ های پرسش ها ومسأله هارا مستقیم وسریع به شاگرد بدهد بلکه بایستی موضوع را با شاگردش به چالش بکشید تا باعث ارتقاء دیدگاههای وی گردد . گاهی ممکن ا ست برای پرسشی بیش ازیک پاسخ وجود داشته با شد .

آموزش غیرحرفه ای می تواند ب روش های گوناگون برای زوج های آموزش دهنده وآموزش گیرندهٔ مختلف انجام شده ومؤثروسود مند واقع شود . آموزش غیرحرفه ای درمقایسه با گونهٔ حرفه ای آن می تواند از ویژ گی های زیربرخوردار باشد :

- تمرین بیشتر
- فعّالیت بیشتروتنوع بیشتر
- کمک متمایز ترو غیرمتعارف تر
- پرسش وپا سخ بیشتر
- متن ساده تر
- مثال ، تشبیه ها واستدلال بیشتر
- مثال های آشناتر ومرتبط تر
- بیان روشنتر وامکان سریع برطرف کردن سوء تفاهم ها

- انگیزهٔ بیشتروایجاد زمینه برای شاگرد تاخود اشتباهش را دریافته وبرطرف نماید
- واکنش و تشویق سریع ترازسوی آموزگار
- دادن فرصت بیشتربرای گسترش بخشیدن به موضوع
- دست یابی به آگاهی و شناخت بیشتردریادگیری
- قاعده مندی وخوداتّکائی و احاطه بیشتردرفرآیند یادگیری

دست آوردهای فرآیند آموزش غیرحرفه ای

آشنا شدن بافعل تحسین کردن ونیز تحسین شدن ، افزایش مهارت های گروهی ، گسترش وافزایش روابط اجتماعی و بالا رفتن کارآئی درایجاد ارتباط ازراه گوش دادن ، شرح دادن ، پرسش وپاسخ ، نتیجه گیری ، خلاصه کردن وسرانجام ، افزایش اعتمادبه نفس ...

روش سادهٔ آموزش های غیرحرفه ای که متمرکزروی درس وتمرین دادن ا ست ، باعث د ست یابی به پتانسیل های کامل ومؤثر درآموزش های یادشده نخواهد شد . آری ، آموزش های غیرحرفه ای خطرات خاص خودرانیز داراست . گرچه کمیّت بذل توجّه ورسیدگی فرد به فرد دراینگونه آموزش ها ازاندازهٔ آن در آموزش توسط آموزگار حرفه ای درمدرسه بیشتراست ، ولی احتمال اینکه کیفیّت این بذل توجّه ورسیدگی در حدّ قابل توجّهی پائین تراز آموزش حرفه ای باشد ، وجوددارد . شناسائی درست ازنادرست وپی بردن شاگرد به اشتباهش درآموزش های حرفه ای دربرابر آموزش های غیرحرفه ای محتمل تر وشدنی تراست . امکان دارد آنچه را آموزگار غیرحرفه ای به شاگردش می گوید یانشان می دهد ، عملاً نادرست باشد که در این صورت باعث تأیید وتقویّت آن درذهن کودک خواهدشد . امکان دارد آموزگار غیرحرفه ای ازکوره در رفته وحوصله اش سربرود وصریح وسریع پاسخ درست را دراختیار شاگردش قراردهد . ویا اساساً کاری راکه شاگرد باید انجام دهد ، خودش برای اوانجام دهد که دراین صورت بازده یادگیری به شدّت کاهش خواهد یافت .

آموزش غیرحرفه ای را می توان هم برای مقطع دبستان وراهنمائی وهم برای دبیرستان و پیش دانشگاهی و هربرنامه درسی مدوّن درهرجا ، به عنوان کمك به پیشرفت درسی ، به کارگرفت . به هرحال ، آموزگار غیرحرفه ای شاید مطمئن نباشد که دقیقاً چگونه وچطور نقش آموزگارحرفه ای رابازی کند بویژه اگر سالهای زیادی ازدوران تحصیل خودش گذشته باشد . به یادداشته باشید که انتظار نمی رود آموزگار غیرحرفه ای همه چیزرا بداند . درواقع همیشه باید آمادگی گفتن « مطمئن نیستم » یا « این راه حّل و روش من است ، شاید تنهاراه نباشد » را داشته باشد .

علیرغم مشکلات بسیاری که درآموزش های غیرحرفه ای وجوددارد ، پژوهش های گسترده نشان داده است که اینگونه آموزش می تواند بسیار مؤثروکارآمد ودرعین حال برای افزایش بازده یادگیری مقرون به صرفه باشد .

آموزش غیرحرفه ای باوجود کم وکاستی هایش ، درعین حال به گونه ای ، ساختاری مثبت وکیفیّتی قابل قبول دارد . توجّه داشته باشید به آنچه که در نوشته ها وشنیده ها درتأیید کارساز بودن این روش برمی خورید دلیل برآن نیست که شماهم مطابق باآن ودرست برپایه همان تجربه ها موفّق باشید . ویژگی های گوناگون در شرایط آموزش غیرحرفه ای باعث شده که هرکس به روش خودش عمل می کند ومی تواند موفّق هم باشد .

میزان وکیفیّت پذیرش ودرک شاگرد وآموزش گیرنده درروش آموزش غیرحرفه ای فاکتور بسیار باااهمیّتی به شمارمی رود .

آموزگارغیرحرفه ای باید به روشنی بداند که چگونه می تواند وبه عکس ، چگونه نمی تواند سودمند واقع شود . دراین نوشته ده اصل برآمده از پژوهش وبررسی های گسترده برای سودمند واقع شدن آموزش غیرحرفه ای ، ارائه ومورد بحث قرارمی گیرد . این اصول به سه دسته تقسیم می شوند :

۱) مبانی واصول عمومی درمورد آموزش های غیرحرفه ای برای آموزگاران غیرحرفه ای
۲) مبانی واصول چگونگی آموزش خواندن ، نوشتن وریاضیات برای آموزگاران غیرحرفه ای
۳) اصول ومبانی چگونگی برنامه ریزی وترتیب دادن آموزش های غیرحرفه ای برای آموزگاران غیرحرفه ای و سازمان دهندگان آموزش دهندگان آموزش های غیر حرفه ای

۱- هدف های واقعی زندگی

- ***درمورد مدّت زمان آموزش باشاگرد توافق کنید***
- ***هدف های واقعی زندگی شاگرد راشناسائی کنید***
- ***ومیان میزان یاددهی مستقیم ومیزان بحث وچالش توازن برقرارکنید***

دست آوردهای پژوهشی :

مقدارزمان آموزش(دریک جلسه) دریادگیریِ مؤثر وکارآمد ، فاکتور بسیارمهمّی به شمار می رود . بیشتر اوقات یادگیری درزمان کوتاه تر بازدهی بالاتری نسبت به آموزش درزمان طولانی دریک جلسه دارد . شکّی نیست که انگیزه های کودک درجهت هدف های واقعی زندگی اش بیشترین مقداررادارااست . به هر حال ، این هدف ها ممکن است کوتاه مدّت وتنها متمرکز بربه پایان رساندن درس باشد که باید آنرا بازکرده ودر مورد جزئیات وی را توجیه نمود .

آموزش غیرحرفه ای رابایستی برپایه قابلیّت درک فعلی شاگرد آغازنمود . آموزگار غیرحرفه ای بایستی میزان درک وفهم شاگرد راارزیابی نموده ودانسته های نادرست وی را آشکار سازد . ودرپی آنست که آموزش های غیرحرفه ای باید گام به گام وبا گام های کوتاه آغاز گردد .

راهبرد های یادگیری چیزی بیشتراز حفظ کردن سادهٔ مطالب است . آموزگار حرفه ای مدرسه زمان کافی برای گفتگو با یک یک دانش آموزان درمورد راهبردهایشان ویا اطمینان ازدرک عمیق آنها راندارد . بویژه اینجاست که آموزش های غیرحرفه ای می تواند چاره ساز باشد .

یادآوری های سودمند :

* *زمان ثابت ، منظّم ویکسان درهمهٔ جلسه های درس* – آموزگاروشاگرد غیرحرفه ای بایستی دراینکه چه مقدار زمان رامی توانند به آموزش اختصاص دهند ، توافق کرده باشند . چندبار درهفته امکان دیدار یکدیگررا دارید؟ مدّت زمان هرجلسه چقدراست؟ چند هفتهٔ پی درپی این اتفّاق خواهد افتاد؟ کجا؟ آنچه راکه نمی توانید به پایان برسانید وتداوم بخشید ، هرگز شروع نکنید . برای تحقّق یک آموزش غیرحرفه ای ونیز ایجاد ارتباط دوستانه وعاطفیِ مؤثر ، بایستی دیدار ها منظّم وزمان بندی شده باشد .

* *تنها به هدف هائی که شاگرد برای خود ترسیم کرده توجّه داشته باشید* – اغلب شاگرد غیرحرفه ای درمورد کمک وحمایتی که نیازدارد ، پافشاری می کند . اینگونه کمک های جدّی وحیاتی ازدید او می تواند تا اندازهٔ

زیادی کوتاه مدّت باشند . شاید کودک بیشتر درفکر نوشتن درست تکالیفش باشد تا هدف های درازمدّت و والاتر ، زیرا نمی خواهد معلّم اش درمدرسه ازدست او عصبانی شود . آموزگارغیرحرفه ای بایستی دقیقاً با آنچه

کودک می خواهد وعلاقمند است ، کاررا شروع کند . امّا بااین تفاصیل ، آموزگارغیرحرفه ای بایستی با شاگردش درمورد هدف های وی صحبت کرده ووی را به درک عمیق تر وگسترده تر ترغیب وتشویق نماید . امّا این بدان معنی نیست که آموزگارغیرحرفه ای آنچه راکه خود علاقه دارد یادرآن تبحّر دارد به کودک بیاموزد وبخواهد کودک نیز درست طرز فکراورادا شته باشد .

* *برآورد وشناخت میزان درک ودریافت کودک(شاگرد)* – آموزگارغیرحرفه ای بایستی به میزان آگاهی و دانش شاگرد خود واقف باشد ونیز بداند چه میزان ازچیزهائی راکه کودک درست می انگارد ، عملاً نادرست است . بحث وگفتگو برای جستجو درمورد آنچه که کودک نسبت به آنها درک عمیق دارد ، بهترین روش برای دست یابی به این میزان درک نادرست درکودک است . بامثال های گوناگون کودک رامطمئن سازد که آنچه راکه می داند می تواند درزمینه های مختلف دیگرکاربرد داشته باشد .

* *گام به گام باگام های کوتاه* – شاگرد غیرحرفه ای اغلب نیازدارد که درفاصله زمانی بسیارکوتاه ، مطلب و درس رایادبگیرد(درواقع نوعی اضطرار درکاراست) . انتظارنداشته باشید که کودک جهش خارق العاده پیدا کند . درحقیقت ، یادگیری باید جزء به جزء ودرفاصله زمان های کوتاه وپیوسته باشد نَه اینکه حجم درس زیاد درفاصله زمانی کوتاه . اغلب آموزگار غیرحرفه ای فراموش می کند که همین مطلبی راکه توقّع دارد شاگرد یک ساعته بفهمد خودش درحین تحصیل چندین هفته یا چند ماه طول کشیده تایادگرفته است .

* *توازن میان یاددهی مستقیم ویاددهی همراه با بحث وجدل وچالش* – گرچه انتظارمی رود که آموزش های غیرحرفه ای منظّم وبرنامه ریزی شده وپیوسته باشد ولی این بدان معنی نیست که آموزگار غیرحرفه ای برای پیشگیری ازاتلاف وقت صریح وسریع پاسخ درست رابه کودک بگوید یا سریع وصریح روش انجام درس و تکلیفی را گفته ونشان دهد .شاید به نظربیاید که روش صریح وسریع سودمند ومؤثرتراست امّا توجّه داشته باشید که این کارتنها دریادگیری مکانیکی ومقطعی وبدون درک عمیق درس ، سودمند است – دراین مورد شاید تجربیاتی داشته باشید . درک فرآیند چگونگی یافتن پاسخ درست ، مهمترین چیز است . براین پایه ، آموزش غیرحرفه ای بایستی بیش از درس ومشق وتمرین باشد . گاهی اوقات آموزگار غیرحرفه ای متوجّه می شود که کودک چیزهائی رادرحافظه ثبت کرده وکاملاً درست می داند که صد درصد نادرست است واوازروی تعصّب و ساده اندیشی آنها رادرست می پندارد . دراین مواقع ، آموزگارغیرحرفه ای بایستی کودک رابه چالش وبحث وجدل برانگیزد (البتّه به روشی معقول ، مؤدبانه ، سودمند ومؤثر) تاکمک کند باورنادرست ازذهن کودک پاک شده ومفهوم درست راشناخته وطرزتلّقی خودرا نسبت به آن تغییر دهد .

۲- پرسش ، نکته واشاره ...

پرسش ، فرصت برای فکرکردن ، ونکته واشاره...

د ست آورد های پژوهشی

صحبت کردن طولانی راه مفیدومؤثری برای کمک کردن به شنونده برای یادگیری وآموختن نیست . زمانی راکه برای آموزش اختصاص می دهید باید صرفاً برای آموزش مورداستفاده قرارگیرد ، البتّه اگرمی خواهید آموزش مؤثروسودمند باشد . اگرتکالیف گوناگون وروش پاسخ دادن به آنها نیز متنوع باشد ، با عث جلوگیری از اتلاف وقت ، هم برای آموزگار وهم برای شاگرد غیرحرفه ای خواهد شد . انواع روش های گوناگون پرسیدن سؤال ازشاگردان ، اثرات مختلفی روی آنهادارد .باید به شاگردتان زمان کافی برای درک وفهم پرسش ها وتکالیف مربوطه را بدهید تاآنها را به تجارب قبلی شان ربط داده وراهبرد مربوطه را اندیشه کنند . ارائه نکته واشاره بایستی گام به گام وتدریجی وبه اندازۀ لازم ونه بیشتروبه گونه های مختلف باشد .

** یادآوری های سودمند :*

* از« سخنرانی » بپرهیزید – به شاگرد آموزش گیرنده ، توضیحات پیچیده وطولانی ندهید . با عبارتی کوتاه ومختصرودرست مرتبط با موضوع درس باواژه های ساده ، منظور خودرا بیان کنید . روی آنچه که نباید انجام شود تأکید نکنید (درواقع کوشش شود ازشکل منفی افعال استفاده نشود) . درصورت لزوم مطلب را با عبارت کوتاه ومختصر دوباره تشریح نمائید ، البتّه با بکارگیری واژه های دیگر...

* *مرورکردن* – اغلب اوقات مرورمختصر وکوتاه آنچه که درجلسۀ پیش آموزش داده شده ، سودمند واقع می شود .

* ازموضوع خارج نشوید – همواره برموضوع اصلی درس تمرکز داشته باشید وبا حرف های بی مورد به حاشیه نروید زیرادرآموزش های غیرحرفه ای زمان بسیارتنگ وارزشمند است پس ازآن بیشترین بهره را ببرید . امّا فراموش نکنید که درحین آموزش مزاح وشوخی نیز لازم است .

* *گوناگونی* – همواره آمیخته ای ازمطالب آسان را باسخت ونیز کوتاه را با بلند همراه کنید . مطالب باید آمیخته ای ازمفاهیم قطعی وثابت شده همراه بامطالب بحث وچالش برانگیزکه فرصت اظهارنظربه شاگرد می دهد ، باشد . درهنگام درس حتماً ازسه شیوۀ صحبت کردن ، خواندن ونوشتن کمک بگیرید .

* *پرسش* – پرسشی نکنید که پاسخش تنها یک واژه باشد . پرسش هائی رامطرح کنید که پاسخ کوتاه ومحدود نداشته باشند تا آموزش گیرنده واداروتشویق به سخن گفتن و توضیح دادن بشود . امّا درعین حال باعث گنگ وپیچیده شدن موضوع نیز نشود . پرسش هائی را مطرح کنید که آموزش گیرنده را به فکربیندازد تابرداشت درست یابرداشت نادرست وی آشکارگردد . پرسش هائی را مطرح کنید که باعث درک ودریافت گسترده تر وعمیق تر درنزد شاگرد گردد .

پرسش هائی رامطرح کنید که شاگرد رابه فکرکاربرد عملی ، تجزیه وتحلیل ، حدس وگمان ، دسته بندی کردن ، توجیه وارزیابی آنچه راکه آموخته است ، بیندازد . بایستی برخی ازاین پرسش ها بیش از یک پاسخ داشته باشند که دراین مورد ، حدس زدن بدون اندیشه کردن شاگرد را نپذیرید .

* *فرصت اندیشیدن* – انتظارنداشته باشید که شاگرد به پرسشی سریع وبی درنگ پاسخ دهد . آنها به اندکی اندیشه کردن نیازدارند . فرصت فکرکردن درآموزش غیرحرفه ای در برابرآموزش رسمی درکلاس درس که آموزگار نمی تواند به شاگرد امکان وزمان زیادی برای اندیشیدن به شاگرد بدهد امتیازارزنده ای بشمار می رود .

* نکته واشاره – پاسخ سؤال را یکباره و مستقیم به آموزش گیرنده ندهید . یک نشانۀ کوچک ازپاسخ یاانجام درست تکلیف یاتمرین را به شاگرد بدهید تا به پاسخ نزدیکتر شود . این نشانه یاراهنمائی می تواند یک ایما یا

اشاره یا کشیدن چیزی روی کاغذ ویا به زبان آوردن واژه های خاص باشد . به آموزش گیرنده برای یافتن پاسخ درست یا انجام درست تکالیفش به اندازۀ لازم راهنمائی وکمک کنید ، نَه بیشتر ...

۳- بررسی وبرطرف کردن اشتباهات

تکلیف انجام شده رابررسی کرده اشتباهات رایافته وبرطرف نمائید ...

دقّت کنید که درپایان کارهیچگونه اشتباهی باقی نماند .

دست آوردهای پژوهشی

غلط واشتباه خود فرصت سازنده ای درفرآیند یادگیری بشمارمی رود ، البتّه اگر شناسائی شود . درواقع اگراشتباه یا اشتباهاتی شناسائی نشوند معنی اش اینست که آموزش نارسا وناقص بوده است . آموزش دهندۀ غیرحرفه ای درمقایسه با آموزگار حرفه ای مدرسه ، مجال بیشتری برای بررسی تکلیف انجا م شده و یا فتن اشتباهات آن دارد . ولی توجّه داشته باشید که کارآئی وسرعت عمل درشناسائی اشتباه ، توسط آموزگار غیرحرفه ای ، درمقایسه با آموزگار حرفه ای کمتراز اندازۀ لازم است .

امّا درعوض ، آموزگار غیرحرفه ای مجال وفرصت بیشتری نسبت به آموزگارمدرسه دارد تا بطریقی شاگردش را ترغیب وتشویق کند که خود اشتباهش رابیابد وبرطرف کند . توانائی خوداصلاحی می تواند گام سودمند و مؤثری درجهت خودآگاهی ویادگیری بدون کمک دیگران باشد . (درحقیقت درک چگونگی یادگیری توسط خود شخص) .

بی گمان ، این احتمال که آموزگارغیرحرفه ای درزمینۀ درسیِ مربوطه از آموزگار مدرسه مهارت بیشتری داشته باشد ، بسیاراندک است . بنابراین ، آموزگارغیرحرفه ای بایستی ازکتاب های کمک درسی یا به عبارتی « حل المسائل » های مناسب استفاده نماید درغیراین صورت باعث تعمیق وماندگارشدن اشتباه درذهن کودک آموزش گیرنده خواهد شد .

**** یادآوری های سودمند***

* *کارهای درسی آموزش گیرنده را به دقّت بررسی وکنترل کنید .* اگر غلط یا اشتباهی شناسائی نشده و برطرف نشود ، قطعاً منجربه نارساتر وبی اثرترشدن یادگیری خواهد شد . برخی اشتباهات ناشی از بی توجّهی است امّا بسیاری دیگر ناشی از نبود درک و شناخت کافی ازسوی آموزش گیرنده است .

* *بررسی ودقّت روی اشتباهات .* هرگاه با اشتباهی ازسوی شاگرد مواجه شدید ، کوشش کنید بگونه ای معقول مداخله وآنرا برطرف کنید . همواره ازگفتن مستقیم وبی درنگِ « نَه » بپرهیزید . نخست ، بشکل پیشنهادی به شاگرد بگوئید که من فکرمی کنم اشتباهی رخ داده است . آموزش گیرنده راترغیب وتشویق به یافتن آن اشتباه نمائید . اگرنتوانست اشتباه را بیابد با گفتن واژه یا نکته ای کمک کنید تاتدریجاً خود جای اشتباه را پیدا کند .

* *زمینه ساز برطرف کردن اشتباه توسط خود شاگرد باشید .* پس ازاینکه اشتباه پیدا شد ، درمورد منشاء اشتباه صحبت کنید . روش اشتباه کدامست؟ وچرا اشتباه است؟ چگونه می توان آنرا برطرف کرد؟ درطی این بحث و گفتگو به شاگرد شانس این را بدهید بدهید که خود اشتباه را درست کند (درواقع خوداصلاحی) . این ترفند برای یادگیری بهتر وعمیق تر ونیز ایجاد اعتماد به نفس ، بسیار سودمند است .

* *چگونگی برطرف کردن اشتباه .* بی گمان هرگاه شاگرد باوجود کوشش وتلاش نتواند پاسخ درست را بیابد ، آموزش دهنده بایستی بیشتردخالت نماید . اگردرهمۀ روش ها برای اینکه شاگرد خود اشتباه را یافته و برطرف کند نتیجه ای بدست نیامد ، لازم می شود که پاسخ درست تشریح یا مدل سازی شود ؛ از شاگرد بخواهید او نیز

این کاررا تکرار کند ؛ دقّت کنید که آیا شاگرد می تواند خود وبدون کمک دیگران پاسخ درست را بد ست آورد یا نَه .

* ازدرستی پاسخ بد ست آمده اطمینان حاصل کنید . آموزش گیرنده همه چیز را نمیدا ند ، بنابراین این ریسک وجوددارد که خود به همهٔ اشتباهاتش پِی نبرد . بدترازآن اینکه امکان دارد دراشتباه بودن چیزی پا فشاری کند درحالیکه واقعاً درست باشد .یا اینکه احتمال دارد اشتباهی را خود شاگرد دریابد امّا پاسخ درست را درست تشخیص ندهد ، درواقع اشتباهی را جای اشتباه دیگری قرار دهد . درمواردی که پاسخ درست ازیک واژه یایک عبارت بیشترنیست (مانند مسأله های ریاضی) استفاده از کتاب کمک درسی یا حل المسائل یا به هرحال هر منبعی که پاسخ درست رادرخود دارد می تواند سودمند باشد . گاهی پاسخ درست درجائی دیگر درکتاب یا نوشته ای دیگر وگاهی درپایان کتاب آمده است . این مورد اخیر بویژه هنگامی که تفاوت زیادی میان آگاهیهای آموزگار و شاگرد غیرحرفه ای وجود ندارد پیش می آید (البتّه درمورد درسی که آموزش داده می شود) .

٤- بحث وگفتگو وتحسین ، خلاصه ومروردرس

دست آوردهای پژوهشی

بحث وگفتگو با شاگرد باعث چالش روی مطالب شده ووی به درک عمیق تری ازدرس می رسد ، در حقیقت چیزی خیلی بیشتر از یادگیری طوطی واری ...

تحسین کردن وآفرین گفتن ، انگیزهٔ نیرومندی درشاگرد بوجود می آورد بویژه اگر رابطهٔ میان آموزش دهنده وآموزش گیرنده بسیار صمیمانه هم باشد . پژوهش های انجام شده درمورد تحسین حاکی از تأثیر ویژه وبنیادی آن روی آموزش گیرنده وشاگرد است .

لازم است درپایان هرجلسه ازدرس بحث کوتاهی ازآنچه آموزش داده شده ، ترتیب داده شود . مروركردن سرفصل ها ونکته های مهّم درسی که خوانده شده ، در به خاطرسپردن مطالب کمک می کند . بی گمان این کار زمینه ساز جلسهٔ آینده وپیوستگی مطالب خواهد شد .

* یادآوری های سودمند

* *بحث وگفتگو* . پرسش کردن که دربخش دوّم به آن اشاره شد ونیز ترغیب وزمینه سازی خوداصلاحی در بخش سوّم بایستی به بحث وگفتگو های حساب شده و سازنده بیانجامد . این کار به آموزش گیرنده وشاید آموزش دهنده هم کمک خواهدکرد تا درک عمیق تر وگسترده تری ازموضوعِ درس پیدا کنند .

* *تحسین وآفرین گفتن* . بیشتراوقات آموزش دهنده ها به اندازه ای که آموزش گیرنده ها انتظاردارند آنها را تحسین نمی کنند . و برخی آموزش دهنده ها نیزبیش از اندازه ای که آموزش گیرنده توقّع دارند ازآنها انتقاد کرده وایراد می گیرند . کوشش کنید همیشه مراقب شرایط وکیفیّت آموزش خود باشید . آموزش غیرحرفه ای شرایط وموقعیّتی دوستانه ونزدیک است که بایستی همراه با اعتماد متقابل باشد . دست پاچه شدن درهنگام تحسین شدن یاتحسین کردن چیزعادّی و متداولی است ، تا می توانید تحسین کنید وآفرین بگوئید .

* *هنگام تحسین کردن کدامست؟* زمانی که مسأله ای دشوار حلّ می شود وپاسخی درست به پرسشی سخت پیش می آید ، زمانی که خوداصلاحی ازسوی شاگردیا آموزش گیرنده پیش می آید ، موقعی که آموزش گیرنده درتلاش برای یافتن پاسخ است ، تلاش وکوشش شاگرد حتا هنگامیکه صد در صد به پاسخ درست نریسده است ، اعتماد به نفس وخوداتکائی شاگرد ، درپایان جلسه ، برای کّل درس ، پاسخ های درست ، و

خلاصه درهمهٔ اوقات درس هنگام تحسین است ... می توانید تحسین خود را به صورت نوشتاری روی دفترچه ، کتاب یاهرزمینهٔ دیگری با واژه های انگیزه ساز انجام دهید .

* *تحسین اثرگذار* . هرتحسین وآفرینی باید دست آویزی داشته باشد . کاری را تحسین کنید که درست است در موارد گوناگون ازواژه های مختلفی برای تحسین کردن کمک بگیرید (بی گمان اینگونه واژه ها برای همه یکسان و ثابت نیستند) . هرگاه احساس می کنید شاگرد می تواند بیشتر فکرکرده و به نتایج بهتری برسد ، او را تحسین کنید . به روش خودتان و برپایه عادت خودتان تحسین کنید ، با سخنی یابا نگاهی تحسین انگیز یا دست کم بالبخندی ...

* *خلاصه ومرورکردن* . طی جلسهٔ درس درزمان های مناسب ونیز حتماً درپایان درس ، ازشاگرد بخواهید که نکات اصلی وکلیدی درس را که یادگرفته است ، به صورت کوتاه وفشرده مرور کند . شاید ازخودبپرسید ، چه چیزهائی برای اومهّم است وآیا جزو نکات درس قرار دارد؟ ... بنابراین برای اینکه اوبداند چه چیزهائی اصلی و مهّم هستند ، یکی دومورد رابه وی گوشزد کنید که به نظرمی آید فراموش کرده باشد . دربحث پایانی جلسه درمورد نکات مهّم واصلی توافق نمائید . تلاش نکنید بی جهت چندین چند نکتهٔ اصلی ومهّم رایافته ودر نظر بگیرید . این درواقع آماده سازی برای جلسهٔ آینده خواهد بود . به عبارتی مرور خلاصهٔ درس شرایط و برنامهٔ جلسهٔ بعدی را مشخّص می کند . یعنی به درستی روشن خواهد شد که جلسهٔ آینده باچه چیز آغاز می شود .

درسه بخش ۵ تا ۷ ، اصول وجزئیات بیشتری آمده ودرآنها به چگونگی یاددادن خواندن ، نوشتن و نیز ریاضیات پرداخته می شود .

۵- خواندن : همراهی وبازبینی

برای اطمینان ازفهمیدن شاگرد ، آموزش را باچالش وبحث وگفتگو درمورد متن درس وسرانجام مرورآن همراه کنید .

دست آوردهای پژوهشی

دراینکه یادگیری خواندن به روش آموزش غیرحرفه ای می تواند مؤثروکارساز باشد ، تردیدی نیست . امّا به هرحال دراین روش گونهٔ برنامه ریزی شده واصولی مؤثرتر خواهد بود .

آگاهی هائی که دراین نوشته ارائه می گردد برپایه مُدل ونمونهٔ دولوگ است که صورت سیستماتیک و ساختاری خواندن دریک زوج آموزش است . این نمونه ازجمله نمونه هائی است که به شکل گسترده و جامعی مورد پژوهش قرارگرفته است . دراین باره چندین مورد پژوهش اصلی وبنیادی وجوددارد . ازجمله چندین بازبینیِ ارزیابی های طراحی شدهٔ غیرمنتخب دریک مجموعهٔ آموزشی بزرگ نیز دردسترس است . این پژوهش نشانه های واقعی وملموسی درخصوص مؤثربودن طرح درسطح دنیا راکه همچنان کارساز است ، بدست می دهد . بیشتراین پژوهش ها درواقع مطالعه وبررسی نتایج بد ست آمده و ارزیابی واندازه گیری میزان پیشرفت مهارت های خواندن ، بااستفاده ازروش های گوناگون است . شمار زیادی ازپژوهشگران در گروههای کنترل ومقایسه موارد ، گونه ها و روش های مختلف ، فعّالیّت داشته اند . نگاشته ها ونتایج درخصوص موارد کاربرد این روش حاکی از ماندگاری آموزش های مربوطه در ذهن کودکانِ آموزش گیرنده بوده است . مطالعات نشان می دهد روش مورد نظر که ما آنرا تشریح خواهیم کرد ، به نتایج زیر دست یافته است : عدم پذیرش کمتر واعتماد واطمینان بیشتر ؛ شیوائی وروانی بیشتر ؛ کاربرد بیشتر متن ؛ بالا بردن احتمال خود اصلاحی ؛ غلط های کمتر ودقّت بیشتر ؛ ومهارت تلفّظی وگفتاری بیشتر .

دربازبینی وبررسی اخیردرمورد کارآئی واثربخشی بیست پژوهش درخصوص « خواندن » ، کار دولـوگ در شمار کارآمدترین قرارگرفته است . یکی دوروش دیگر به نتایج توجّه برانگیزی رسیده اند ، امّا کارشان تنهـا بـا شماراندکی کودک انجام گرفته است . بعکس ، روش « خوانـدن » دولـوگ نشـان داده اسـت کـه بـاهزاران کودک درصدها مدرسه ودربسیاری ازکشورها مؤثر وکارساز بوده است . دراین مورد می توان بـه آموزگـار و شاگرد غیرحرفه ای در زمان کوتاهی آموزش داد . این روش را می توان باهر متن درسی ازپیش آمـاده و در دسترس برای آموزش خواندن بکاربرد که این نشان دهندهٔ انعطاف پذیری ومقرون به صرفه بودن آنست .

* یادآوری های سودمند

* *مطالب ومواد درسی راازپیش انتخاب کنید* . ازآموزش گیرنده بخواهید تاهرگونه مطالب ومـواد درسـی را که بیشتر مورد علاقه اش است ، انتخاب کند . حدّ د شواری وسختی ایـن مـواد درسـی بایـد فراتـر از قابلیّـت خواندن شاگرد یاآموزش گیرنده درشرایط انفرادی باشد ، امّا نه بالاتر ازقابلیّت آموزش دهنده یا آموزگار .

* *باهم بخوانید* . درخواندن واژه ها باشاگرد بلند بخوانید . سرعت خواندن خود رادرسـت منطبـق بـا سـرعت خواندن شاگرد بنمائید . آموزش گیرنده بایستی همهٔ واژه ها خوانده وتلفّظ کند .

* *اصلاح کردن اشتباهات* . هرگاه شاگرد واژه ای را غلط خواند بلافاصله راه درست خواندن و تلفـظ درسـت آنرا به اوبگوئید . (ازاشاره وراهنمائی مختصر پرهیز کنید زیرا جریان درس رامختل می کنـد) . شـاگرد بایسـتی درست هر غلطی رایاد گرفته وآنرا درست تلفّظ کند . پس ازاطمینان ازیادگیری شاگرد کاررا دنبال کنید . همواره غلط خواندن را به همین روش اصلاح نمائید .

* *سکوت ومکث* . گرچه به سرعت باید اشتباه اصلاح شود ولی به هرحال دادن اندکی فرصت درحدّ چهارثانیه نَه بیشتر ، شاید باعث شود شاگرد درست واژه را خودبیابد . اگرکودک درفاصله چهارثانیه به نتیجـه رسـید ، در حقیقت « خود اصلاحی » حاصل شده ونیاز به دخالت شما ندارد . (درهرصورت هرگاه کـودک بـه گونـه ای دست پاچه ومردّد است ، شما بایستی برای چند ثانیه سکوت کرده و باانگشت به واژهٔ درست اشاره کنید .

* *توافق روی علامت ، نشانه یا اشاره که شاگرد توسط آن اعلام کند که می خواهد به تنهائی بخواند* . با شاگرد قرار بگذارید مواردی که به قسمت های آسان تری می رسد بااشاره ای بگوید که آموزگار همراه او نخوانـد . این نشانه می تواند زدن بِشکن یابرهم زدن دستها ومانند آنهـا باشـد . آمـوزش دهنـده بایسـتی بـا ایـن اشـاره بی درنگ سکوت کرده وبگذارد شاگرد به تنهائی بخواند .

* *بازگشت دوباره به همخوانی* . هرگاه شاگرد درحین تنها خواندن دچاراشتباه شـد و واژه ای را غلـط تلفّـظ کرد ، نشانهٔ آنست که خوداصلاحی ثمربخش نیست وفرصت چهارثانیه کافی نبوده است . مطابق روش بالا تلفّظ درست راگفته ودوباره درخواندن باوی همراه شوید .

* *ادامه دادن خواندن ، به تناوب ، گاهی انفرادی وگاهی دونفـری* . همـین گونـه پـیش برویـد ، ازخوانـدن دونفری به خواندن انفرادی واز انفرادی به دونفری ، تاهرلحظه به شاگرد همان اندازه که نیازدارد کمک کنید و نَه بیشتر . باهم خواندن بارسیدن به قسمت های دشوارتر ورسیدن بـه کتـاب سـخت تـر ، نیـاز بیشـتری پیـدا می کند .

* *تحسین* . شاگردخود را درموقع لازم تحسین کنید : موقع درست خواندن واژه هـای دشـوار ؛ اشـاره بـرای انفرادی خواندن ؛ به تنهائی درست خواندن طولانی تـر ؛ درسـت خوانـدن همـهٔ واژه هـای یـک جملـه ؛ و خوداصلاحی شاگرد را . کوشش کنید درتحسین کردن ازواژه های گوناگون وراضی نشان دادن چهـرهٔ خـود استفاده کنید .

* *مرورکردن درس* . دربارهٔ کتاب واینکه چرا جالب وباارزش است سـخن بگوئیـد . دربـارهٔ معنـی واژه هـای دشوار سخن بگوئید . ایده های اصلی درکتاب چیست؟ به چه ترتیبی ....

٦ - نگارش(انشاء) : نگاشتن وویراستن

راهنمائی به آفرینش ونگاشتن دیدگاهها ؛ کمک به نوشتن وویراستن چکنویس

دست آوردهای پژوهشی

بررسی وتصحیح مطلب نگارش شده توسط دانش آموزان برای افزایش کیفیّت وشیوۀ نگارش ، روش رایجی درمدرسه بشمارمی رود . دربارۀ « همکاری وهمیاری درنگارش » گزارش های بسیاری ازنتایج بدست آمده از کاربرد های آن نوشته ومنتشر شده است ، امّا شمار موردهائی که مربوط به دانش آموزان دبستانی باشد ، بسیار اندک است .

درپژوهشی که توسط Daiute در۱۹۸۹ درخصوص ارزیابی کیفیّت نگارش دانش آموزان ۹ تا ۱۲ سال انجام گرفت ، مشخّص شد که آنها هم به روش حساب شده وبرنامه ریزی شده وهم به کاروتمرین آزادانه و تفریحی نیاز دارند . این پژوهشگر در۱۹۹۰ به این نتیجه رسید که پسرها به آسانی میان روش ها وراهبردهای کنترل و برنامه ریزی شده و برنامه های بازی گونه وتفریحی هماهنگی برقرارمی کنند درحالیکه دخترها دراین کار چندان موفّق نیستند . Daiute و Datton در ۱۹۹۳ ، نوشتن انفرادی ونوشتن با همکاری وهمیاری یکدیگررا درمیان کودکان ۷ تا ۹ ساله که تاپیش از آن کارآئی اندکی درنگارش(انشاء) داشتند ، باهم مقایسه نمودند . نتایج بدست آمده حاکی ازآن بود که همکاری وهمیاری درنگارش هم برای زوج هائی که قابلیّت نگارش همسان وهم برای زوج هائی که سطح وقابلیّت نگارش شان متفاوت بود ، ثمربخش بوده است .

توصیه وراهنمائی ها دراین مورد برپایه مدل « دونفری نوشتن » از تاپینگ در ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱ است . دراین زمینه چندین آزمایش انجام گرفته که برپایه آنها نکات مثبت و سودمند مشخّص شده که دراینجا به آنها می پردازیم . آزمایشی درمورد کودکان ۱۱ ساله که آموزگار وکودکان ۵ ساله که شاگرد بوده اند ، انجام گرفته است . جالب اینجاست که کودکان ۱۱ سالۀ آموزگار ، خود خیلی بیشتر از ۵ ساله های شاگرد ، قابلیّت نگارش شان بالا رفت . آزمایش دیگری درمورد زوج کودکان همسال ۸ ساله که دربرخی ازآنها که یکی بهتر از دیگری بود ، آموزش یک سویه ودربرخی دیگرکه قابلیّت یکسان داشتند ، آموزش دوسویه(متقابل) انجام گرفت . پس ازپایان کار ، هردو کودک درهردو گروه ، قابلیّت وکارآئی شان درنگارش انفرادی به اندازۀ زیادی افزایش یافت . البتّه افزایش کارآئی کودکان معلّم درپایان دوره حا صل گردید . آزمایش سوّم روی کودکان ۱۰ سالۀ همسال ولی باکارآئی متفاوت درنگارش یکی به عنوان آموزگار ودیگری شاگرد انجام شد . باز زوج های نویسنده نسبت به کودکانی که انفرادی کارمی کردند ، به کارآئی بالاتری دست یافتند .

* یادآوری های سودمند

* *ایجاد اندیشه وتخیّل* : سخن گفتن دربارۀ موضوع وسپس تشویق به نوشتن . سخن گفتن دربارۀ تصورات شاگرد تاازاین راه درذهن خود جستجو کند ... بااستفاده ازواژه هائی مانند چه کسی ؟ ، آیا ؟ چه چیز؟ به چه چیز ؟ با چه چیز ؟ کجا ؟ چه وقت ؟ چگونه ؟ چرا ؟ ومانند اینها که درواقع ربط به زمینه های دستورزبانی دارند که بدون اشاره به دستورزبان عنوان می شوند تا دیدگاهایش راجع به موضوع رایافته ومطلب راروی کاغذ بیاورد .

* *نموداری از اندیشه وتصورات* . دیدگاهها وتصورات شاگرد را که بطور پراکنده روی کاغذ آمده است بررسی ومرور کرده و آنها پشت سرهم ومرتبط باهم مرتّب کنید . یاآنها رابه چند بخش تقسیم کرده وهربخش را مرتّب نمائید . باخط هائی این دیدگاهها رابه هم وصل کنید ، به این ترتیب یک طرح یانقشه ای بدست می آید . برای خط کشیدن زیرواژه ها وعبارت ها از مدادیاقلم رنگی کمک بگیرید .

این نقشه ، گام بعدی را شکل می دهد .

* *چکنویس* . باکمک گرفتن ازنقشه ، شروع کنید به نوشتن چکنویس متن مورد نظر . شاگرد باید بگوید چه چیزی رامی خواهد گزارش یامنتقل نماید ، وآموزگار باید به اندازه ای روی کاغذ بیاورد که شاگرد برای ادامه دادن مطلب نیاز دارد . آموزگار می تواند همهٔ متن رابنویسد ؛ تنها واژه های مشکل رابنویسد ؛ به شاگرد نشان دهد واژه های سخت راچگونه می نویسند تا شاگرد ازروی آنها کپی کند ؛ یاتنها زبانی املاء واژه های سخت را به شاگرد بگوید . دراین مرحله آموزگارنباید درمورد املاء واژه ها ونقطه گذاری وفاصله گذاری یا دستورزبان پافشاری کرده وسخت بگیرد .

* *خواندن* . آموزگار چکنویس را بلند می خواند ، تاحدّ ممکن با تأکید روی تلفظ ، نقطه گذاری و فاصله گذاری . سپس شاگرد همان کاررا انجام می دهد .

* *غلط گیری وویرایش* . باهمدیگربه چکنویس نگاه کنید . شاگرد باید درمورد اینکه درکجا نیاز به تغییر واصلاح است ، فکرکند . واژه وعباذت های نارسا واشتباه را می توان بایک مداد رنگی یا ماژیک مشخّص کرد . مهمترین قسمت که نیاز به اصلاح دارد جائی است که معنی واضح وروشنی را به ما نمی دهد . دوّمین مورد دربارهٔ ترتیب قرارگرفتن تصورات و دیدگاههای شاگرد است که به نحوی باید تغییر داده شود که معنی ومفهوم مطلب خودرا نشان دهد . تنها می ماند که ببینیم املاء واژه ها درست است یانه ، وسرانجام باید دقّت کنیم و ببینیم نقطه گذاری وفاصله گذاری درست و سودمند است . پس ازآن ، آموزگار می تواند هرگونه پیشنهاد اضافی رادربارهٔ تغییراتی درنوشته ارائه کند . هرگاه دچا ر مشکل شدید حتماً ازفرهنگ لغات و د ستورزبان استفاده کنید .

* *پاکنویس نهائی* . پس ازانجام کارهای بالا ، دیگرمهّم نیست چه کسی پاکنویس رابنویسد ، آموزگار یا شاگرد؟ . زیرا به همهٔ موارد دشوار پیش ازاین توجّه وفکرشده است . آموزگاریا شاگرد ، یاهرکدام بخشی از پاکنویس را می توانند بنویسند یاحتا شخص دیگری می تواند متن درست واصلاح شده را پاکنویس کند . بهترین پاکنویس آنست که آموزگاروشاگرد مشترکاً بنویسند تاهردو رابتوان مؤلف دانست .

* *ارزیابی* . چه خوبست که بعداً آموزگاروشاگرد بهترین پاکنویس کاررا مورد ارزیابی قراردهند . اینگونه پاکنویس رامی توان بازوج های دیگرمبادله نمود تاآنها مورد ارزیابی قراردهند . کوشش کنید همواره از جملات مثبت برای انتقاد ازمتن نوشته ، کمک بگیرید . همین دیدگاههای آموزگاراست که باید ومی تواند در مورد اندیشه کردن وساختن ترکیبی از نقطه نظرات در دفعهٔ بعدی ، برای شاگرد سودمند واقع شود .

۷- ریاضیات : کاربردی نشان دادن و فشرده کردن

پرسش ، کاربردی نشان دادن ، رسیدگی ونظارت ، فشرده کردن وعمومیّت دادن در ریاضیات ....

دست آوردهای پژوهشی

نتایج بدست آمده ازپژوهش های گوناگون حاکی ازآنست که آموزش غیرحرفه ای بویژه درمورد ریاضی کارآمد وثمربخش است . بریتس(Britz) ، پژوهش هائی را که میان سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ میلادی درخصوص آموزش غیرحرفه ای ریاضیات منتشر شده بود بررسی ومرور نمود . د ست آورد این کاوش و جستجو نشان دهندهٔ ثمربخشی بیش ازاندازهٔ اینگونه آموزش درزمینهٔ ریاضیات میان همکلاس ها وهم سن و سالها ، هم آنها که درس داده اند وهم آنها که عنوان شاگرد داشته اند ، بوده است . بیشتر این همکلاس ها از جمله دانش آموزانی بودند که دردرس ریاضی ناموفّق وعقب مانده ودرروابط اجتماعی بسیار محدود بوده اند . پژوهش

دیگری ازسوی فانتوسو و هِلِر ، ثمربخشی آمیخته ای ازآموزش میان همکلاس ها با آموزش پدرومادر درمنزل را دردرس ریاضی وبرای کودکان ۱۰ و۱۱ ساله به اثبات رسانده است .

آموزش غیرحرفه ای درریاضیات نباید تحت نظارت مستبدّانه باشد . آموزش دهندگان نباید تنها مسأله ای را حلّ کنند یا پاسخ را مستقیماً به شاگرد بدهند . این مهّم وارزشمند است که به آموزش گیرنده فرصت کافی برای سخن گفتن داده شود تا به این باور برسد که می تواند اشکالات خودرا بیان کرده وباهمکاری آموزگار غیرحرفه ای خود برطرف سازد .

ریاضیات چیزی خیلی بیشترازحساب است . دامنۀ ریاضیات به اندازه ای گسترده است که دربرخی طرح های آموزشی برای پیشبرد کارشان ازبازی های ریاضی یادیگرروش های تفریحی نیز استفاده می کنند تا به بازده بیشتری درآموزش شان برسند . طرّاحی روش آموزشی یگانه ای که بتوان برای همۀ شاخه های درس ریاضی بدون نیاز به هیچگونه افزودۀ دیگری بکاربرد ، بسیاردشوار است . بااین وجود این کارمطابق با چارچوب های بنیادین طرح های آموزشی وبا پژوهش روی زوج های آموزشی شامل یک آموزگار حرفه ای دربرابر یک دانش آموز دردرس ریاضی انجام گرفته است . روشی که بدست آمد بانام دولوگ شناخته می شود که آنچه ازاین پس درخصوص آموزش غیرحرفه ای ریاضی ارائه می شود ، برگرفته ازاین روش است .

* یادآوری های سودمند

***** *گوش فرادادن* . به شاگرد خود فرصت دهید تا مشکل خودرا شرح دهد . پیش داوری نکرده وبه حافظۀ خود اطمینان نکنید وچیزی را پیش خودی به عنوان مشکل وی فرض نکنید .

***** *خواندن* . امکان دارد شاگرد شما درخواندن واژه یاواژه هائی از صورت مسأله دچار مشکل باشد . اگرچنین بود ، مسأله را خود برای وی بخوانید و بویژه دقّت کنید که آنرا خوب فهمیده باشد .

***** *پرسش* . پرسش های سودمندوهوشمندانه که بتواند کلید ونشانه ای برای به فکرانداختن شاگرد بوده و تصوّر ودرک نادرست احتمالی وی را به چالش بکشد . پرسش هائی مانند : این مسأله ازچه نوع مسأله هائیست ؟ ؛ آنچه را که درتلاش هستیم دراینجا پیداکنیم چیست ؟ ؛ آیا می توانی مسأله را باواژه های دیگری بیان کنی ؟ ؛ چه اطلاعات ونکات مهّمی راازپیش دراختیارداریم ؟ ؛ آیا می توانیم مسأله را به بخش های مختلف تقسیم کنیم؟ ؛ چگونه به آن رسیده ای ؟ آیا معنی ومفهومی دارد ؟ کجا آخرین با متوجّه شدی که درست عمل کرده ای ؟ ؛ کجا ودرچه مورد فکرمی کنی ممکن است اشتباه رفته باشی ؟ ؛ چه نوع اشتباهی فکرمی کنی کرده باشی ؟ . نگوئید ، « این غلط است » - پرسشی بکنید که کلید وانگیزه ای برای گام بعدی داشته باشد . پس بجای این غلط است بپرسید « چرا ؟ » . کوشش کنید ازبکاربردن پرسش های بسته ای که پاسخ آنها فقط « بله » یا « نَه » باشد ، پرهیز کنید ؛ پرسش هائی رامطرح کنید که نیاز به مراجعه به حافظه داشته باشد ، پرسش هائی که پاسخ داشته باشند ؛ وقتی می پرسید « متوجّه شدی که؟ » پاسخ راخودتان ندهید بگذارید شاگرد خود پاسخ دهد . از دشوارنشان دادن بخش های مختلف درس بپرهیزید .

***** *سکوت برای با صدای بلند فکرکردن* . به شاگرد خود پاسخ به هرپرسشی ، فرصت فکرکردن بدهید . همواره و درهرموردی آنها را تشویق کنید . ازوی بپرسید ، به چه چیز فکرمی کنی ؟ بااین ترفند درمی یابید کجا و به چه صورتی اشتباه می کند . فراموش نکنید که آموزگارنیز نیاز به فکرکردن دارد !.. اگربه چیزی اطمینان ندارید ، به زبان بیاورید . شاگرد خود انتظارندارد شما همه چیز را بدانید .

***** *به ریاضی وجود خارجی بدهید* . کوشش کنید تامسأله را کاربردی ومرتبط با زندگی شاگرد خود ارائه کنید . از شاگرد خود بخواهید تا تجسّم کند که مسأله درزندگی روزمره چه مصداقی دارد . شاگردان را ترغیب به کمک گرفتن از انگشتان ، مهره ، چوب کبریت یا چیزهائی مانند آنها برای صورت ظاهردادن مسأله در زندگی روزمره کنید . آنها راتشویق به کشیدن تصویری ، فهرستی ، نمودار ، جدول ، منحنی ونقشه درارتباط با مسألۀ

مورد بحث نمائید . بااجازۀ شاگرد ، باعلامت زدن ، خط کشیدن ، فلش ، رنگهای مختلف یابا عـدد وشـماره در آنچه که روی کاغذ آورده به صورتی که وی را به یافتن حلّ وپاسخ مسـأله نزدیـک نمایـد ، کمـک کنیـد . از شاگرد بخواهید درمورد آنچه پیش تر یادگرفته یا مسأله هائی که درگذشته مرتبط با مسـألۀ فعلـی حـلّ کـرده ، فکرکند . کاررا با مسأله ای مشابه ولی ساده تر پی بگیرید . چگونه وچقدر این گونه مسأله ها می تواند مرتبط بـا مردم در مکان ها ، رویدادها وتجربیات درخانه ومحلّه وشهری که شاگرد زندگی مـی کنـد ، باشـد ؟ مسـأله ای مشابه بااستفاده ازنام خود شاگرد ساخته و مطرح کنید . کوشش کنید بازبان ساده وکوچه بازاری صحبت کنید .

* *بررسی وکنترل* . بررسی ودقّت کنید شاگرد بالاخره وسرانجام پاسخ درست راگرفته ودرک کرده باشد . امّـا به یادداشته باشید ، احتمال دارد بیش ازیک روش برای حلّ مسأله وجودداشته باشد . اگر تمـام راه حـلّ هـای دیگر به نتیجه نرسید ، آنوقت شما راه حلّ خود را ارائه کنید (البته با فکرکردن باصدای بلند) .

* *تحسین وتشویق* . شاگرد خود ذا هرازچند گاه تحسین وتشویق کنید ، حتّی برای یـک کاردرسـت پـیش پـا افتاده و اندک درحلّ مسأله . بااین کار اعتماد بنفس شاگرد افزایش می یابد .

* *خلاصه کردن و عمومیّت دادن* . ازشاگر بخواهید راهبردهای کلیدی ومراحل حلّ مسأله را به اختصار بگوید دراین حال درمورد هراشتباه یا بی توجّهی وی اشاره کرده وسپس خودتان راهبردهای کلیدی را خلاصه و به اختصار بیان کنید . درمورد اینکه این روش ها وراهبرد ها چگونه می تواند درمسألۀ مشـابه دیگـری بکارگرفتـه شود(تعمیم) ، برای شاگرد توضیح دهید .

سه فصل بعدی(۸ تا ۱۰) به اصول وروش کار درچگونگی سازمان دادن آموزش غیرحرفه ای ، اختصاص داده شده است .

۸- برگزیدن وسازگاری دوطرف آموزش

درگزینش و سازگار بودن دوطرف آموزش دقّت کنید .

دست آوردهای پژوهشی

درخصوص مفید ومؤثربودن روش های گوناگون دربکارگیری آموزگاران غیرحرفه ای ، بشـکل ا صـولی و پی گیر ، پژوهشی انجام نگرفته اسـت . درایـالات متحـدّه آمریکـا ، آمـوزش غیرحرفـه ای بصـورت آمـوزش دانشجویان سالهای آخر به دانشجویان سالهای پائین تر درازای شهریه ای که باید بپردازند ، متداول اسـت . در اروپا چنین موردی اصلاً وجود ندارد واگرهم آموزشی صورت گیرد داوطلبانه واکثـراً بـدون دریافـت مبلغـی بعنوان حق التدّریس است . ازاینرو به نظرمی رسد آموزگاران داوطلب از انگیزۀ بیشتری بـرای آمـوزش هـای غیر حرفه ای برخوردارهستند . امّا باید دید ، آیا این انگیزه وتمایل تداوم دارد یا نه؟ این بستگی به آن دارد که ما آموزش های غیرحرفه ای را جایگزین نوع حرفه ای آن بدانیم یاآنرا درجای خود به عنوان تجربه ای والا ، متفاوت و مکمّل درنظربگیریم .

تفاوت آگاهی ودانش میان آموزگار وشاگرد غیرحرفه ای خود موضوع دیگری است . برخی ازد سـت آورد های پژوهشی مؤید اینست که آموزش گیرنده غیرحرفه ای توسط آموزگار غیرحرفـه ای بـا آگـاهی ودانـش بالاتر برای آموزش گیرنده ثمربخش تر است . ولـی تردیـدی نیسـت کـه گـاهی ، آمـوزش درسـطحی بسـیار پائین تر ازمیزان سواد وآگاهی آموزگار خود می تواند باعث سررفتن حوصلۀ آموزش دهنده که مطمئناً هـیچ بهره وانگیزه ای برای او ندارد ، گردد . آموزش میان دونفرکه تفاوت سواد وآگاهی شان بسیاراندک است ، به احتمال زیاد چالش برانگیزتر ودرگیرکننده تربرای آموزش دخنده است . درایـن شـرایط ، آمـوزش گیرنـده نمی تواند مقدار قابل توجّهی آگاهی کسب نماید ، امّا احتمال اینکـه آمـوزش دهنـده(آموزگارغیرحرفـه ای)

چیزی براندوخته هایش افزوده شود ، بیشتراست . درسال های اخیر ، توجّه و تمایل به سوی دریافت چیزی مانند حق التّدریس ازطرف آموزش دهندهٔ غیرحرفه ای ، جلب شده است . ولی باهمهٔ آنچه که گذشت ، سواد و آگاهی نزدیک بهم آموزش دهنده وآموزش گیرنده الگوی پذیرفتنی تری برای آموزش گیرنده است ، چه به هرحال ، خود آموزگار درگذشتهٔ نه چندان دور برای کسب موفقیّت وگذشتن ازاین مرحله تلاش پیروزمندانه ای را پشت سر گذاشته است . این خود به آموزش گیرنده می فهماند که باتلاش وکوشش او هم می تواند ازاین مرحله با موفقیّت بگذرد .

تحقیقات نشان می دهد که تفاوت سنّی اهمیّت اش ازتفاوت میان سواد وآگاهی ، کمتر است ، والبتّه هردو مورد می تواند دریک آموزش غیرحرفه ای دوجانبه باهم وجودداشته باشد . پژوهشروی تفاوت جنسی به نتیجهٔ مثبت ورضایتبخشی منجرنشده ، یعنی دربرخی اززمینه ها ، پسرها بیش ازدختران ازآموزش غیرحرفه ای بهره می برند ، بیپژه وقتی درجایگاه آموزش دهنده قرارمی گیرند . البتّه ، دربعضی ازکشورها ، اینکه آموزش دهنده ازجهت سنّی کوچکتر از آموزش گیرنده باشد ، یا آموزش دختربه پسر ، ازجهت فرهنگی قابل هضم و پذیرش نیست .

* یادآوری های سودمند

* ***آموزش دهندگان غیرحرفه ای داوطلب یا حق التّدریسی؟...*** پیش ازهرچیز تصمیم بگیرید که آموزگاران غیر حرفه ای شما داوطلبانه درس بدهند یا حق التّدریس دریافت کنند . این مسأله درخوب وبد کار وبرگزیدن آنها اثر خواهد گذاشت .
* ***توافق پدرومادر*** . پیش ازآغاز آموزش ، بررسی کنید که آیا به موافقت پدرمادر نیاز هست یا نه .
* ***هدف های آموزش را روشن کنید*** . آموزگار وشاگرد غیرحرفه ای بایستی برآنچه که کوشش می کنند به آن دست یابند ، توافق کرده باشند . بلند پروازی نکنید .
* ***هرگاه چیزی رانمی دانید ، صادقانه برزبان آورید*** . هیچ کس نمی تواند ادّعا کند که همه چیزرامی داند ، آموزگاروسازمان دهندهٔ آموزش بایستی هرگاه درموردی اطمینان ندارند ، برزبان آورند .
* ***ازپیش دربارهٔ تفاوت میان سوادوآگاهی طرفین آموزش تصمیم بگیرید*** . آیا آموزش دهنده وآموزش گیرنده بایستی دانش وآگاهی شان درمورد موضوع درس ، نزدیک به هم یاتفاوت زیاد با شد؟ فواید وزیان های هریک کدامند؟ ...
* ***ویژگی های شخصیّتی رادرنظرداشته باشید*** . دربرگزیدن زوج های آموزشی به روش غیرحرفه ای ، پیش بینی رودررویی ومجادله شخصی میان دوطرف راپیش بینی کنید . بطورمثال ، هرگز شاگرد کم حرف وخجالتی رابا آموزگاری کاملاً مسلّط وسختگیر همراه نکنید . نفراتی که ازپیش دارای رابطهٔ دوستانه باشند ، می توانند به نتیجهٔ خوبی برسند امّا به عکس این احتمال نیز وجود دارد که تمام وقت به ورّاجی دربارهٔ چیزی غیرازدرس بگذرد . الزامی ندارد که شاگرد آموزگار رابرگزیند ویکی رابردیگری ترجیح دهد .
* ***آموزش یکطرفه یا دوطرفه ومتقابل*** . گاهی بسیار مفید واثر گذار خواهد بود که حتّی درمورد زوج های باتفاوت آگاهی ودانش بالا ، شاگرد درصدد یاددادن چیزی به آموزگار برآید . اینروش خوبی است برای ارزیابی اینکه شاگرد واقعاً درس را فهمیده یا تظاهر به فهمیدن می کند .
* ***زمان بندی آموزش*** . چه روز وچه ساعتی ازهفته زوج آموزشی مورد نظر یکدیگررا ملاقات می کنند؟ ، مدّت هرجلسه چقدرمی تواند باشد؟ ، درطی چندهفته؟ هم آموزگار وهم شاگرد غیرحرفه ای بایستی دقیقاً اززمانی که باید سرجلسهٔ درس حاضرشوند ، آگاه باشند .
* برخورد باغیبت . ازپیش تعیین کنید که باغیبت شاگرد یاآموزگار چگونه برخوردشود . شاید نظرتان این باشد که درصورت غیبت آموزگار غیرحرفه ای از جانشینی برای وی که ازپیش تعیین شده ، استفاده شود .

۹ - سازمان دادن آموزش ومشخص کردن متن آموزشی

روش آموزش را مشخّص کنید ، زمینهٔ آموزش را فراهم نمائید و متن مورد آموزش را ازپیش آماده سازید ،

دست آورد های پژوهشی

بازبینی پژوهش های انجام شده روی آموزش های غیرحرفه ای تماماً به این نتیجه منتهی شد که بیشتر روش هائی که درآنها ازپیش به آموزگار غیرحرفه ای آموزش داده شده بود ، به نتایج بهتری منجرگردید .

ازپیش بایستی روشی روان وقا بل فهم درآموزش غیرحرفه ای مشخّص شود . این روش می تواند کلّی وعام بوده وبا هرمتنی به انتخاب زوج آموزش یا براساس مطالب خاصّی که به آموزش دهنده وآموزش گیرنده داده می شود انجام گیرد . اگرروش کاربردی بایستی با مطالب گسترده و متنوّعی انجام شود ، مشخّص کردن دقیق تر وظایف آموزش دهنده وآنچه که وی باید انجام دهد ، اهمیّت زیادی پیدامی کند . درمراحل اولیه برای کسانیکه هنوز تجربه چندانی درآموزش های غیرحرفه ای ندارند ، استفاده ازروش های آزمایش و تأیید شده ، خیلی بهتر است .

حتّی اگر آموزش براساس مطالبی مشخّص که ازپیش به آموزش دهنده وآموزش گیرنده داده می شود باشد ، باز زوج آموزش باید امکان این راداشته باشند که متن ومطلب آموزشی مربوطه را ازمیان چند مورد انتخاب کنند . یعنی شانس انتخاب داشته باشند(بطورمثال ازمیان چند کتاب) . درکشورهای درحال توسعه ، دربعضی مناطق شهری وروستائی دست یابی به مطالب مورد نیاز مشکل بزرگی محسوب می شود .

**** یادآوری های سودمند***

* *روش آموزش راازپیش مشخّص کنید* . ازاینکه چگونه آموزشی مناسب ومؤثر است بایستی صد در صد آگاهی داشته باشید ، شاید استفاده ازیک فنآوری آزمایش و تأئید شده ، چاره ساز باشد . می توانید روشی کلّی و عام را که برای همهٔ موارد پیش بینی شده ، رابکارگیرید یا ازروشی خاصّ درهمان درس وموردی که می خواهید آموزش داده شود ، استفاده کنید یا شاید بهتربببینید که ترکیبی ازهردو راانتخاب کنید .

* *آموزش اولّیه برای آموزگاروشاگرد* . درصورت امکان هم به آموزش دهنده وهم به آموزش گیرنده ، درآنِ واحد ودرحضور یکدیگر آموزش بدهید . به آنها بگوئید چه بکنند . درپی آن ، عملاً نشان دهید که چه باید بکنند . سپس به هردوآنها بانوشته یا نموداری آنچه راکه باید انجام دهند ، خاطرنشان سازید . سرانجام بلافاصله از آنها بخواهید کاررا شروع کنند . متوجّه باشید که برای شروع کار به مطالب آموزشی مربوطه نیاز است . بررسی ودقّت کنید آیا کاربخوبی پیش میرود ودوطرف می دانند چه بکنند ، درصورت لازم ، تحسین وتشویق و راهنمائی بیشتری اِعمال کنید .

* *آموزش درمورد مهارت های تدریس بطورعام* . بطورمثال ، چگونگی برقراری ارتباط مفید ومؤثر ؛ چگونگی دادن تکلیف ؛ چگونگی ارائه توضیح قابل فهم وروان وروشن ؛ چگونگی مطرح کردن سئوال ؛ چگونگی بیان و نشان دادن مهارت هائی که شاگرد بایستی بیاموزد ؛ چگونگی بررسی وکنترل درانجام تکالیف داده شده ؛ چگونگی نشان دادن واکنش وتحسین وتشویق ؛ چگونگی مشخّص کردن روش ها واشکال متداول اشتباه که برای همه پیش می آید ؛ چگونگی حفظ روند روبه رشد آموزش گیرنده .

* *آموزش مهارت های ویژه درآموزش های غیرحرفه ای* . زمانیکه به روش ومطالب آموزشی مورد نظر دست یافته و باآن کاملاً آشنا شدید ، مهارت های لازم وخاصّ آن راآموزش دهید .

* *قرارداد* . شاید لازم باشد بین آموزش دهنده وآموزش گیرنده ، قراردادی نوشته شود . این قرارداد تشکیل شده ازجزئیات مورد توافق طرفین ، آموزش دهنده وآموزش گیرنده .

* *دست یابی به مطالب ومتن مورد آموزش* . مطالب می تواند متن مشخّصی که مربوط به برنامه آموزشی غیرحرفه ای است ، باشد یعنی ازپیش برای این نوع آموزش تهیه شده است ، یامطالب درسی درکلاس رسمی درس درمدرسه یا مطالب ومتنی که درهمه جا دردسترس است (مثلاً متن برگرفته از اینترنت) . اگردر آموزش غیرحرفه ای مورد نظرپیش بینی تکلیف خانه شده باشد ، برای آگاهی بیشتر درمورد کمّ وکیف آن به یک آموزگار حرفه ای درمدرسه مراجعه کنید زیرا درآموزش های رسمی مدرسه ای ، اینگونه پیش بینی ها شده و بصورت پلی کپی موجو است . گاهی اوقات لازم است متن آموزش وتمرینات وتکالیف رابرای موردی خاص تهیه وتدوین نمود . این کار می تواند توسط خود زوج آموزش انجام شود یا داوطلبان ویامتخصّصین مربوطه که این کاررا بانظارت شما انجام می دهند . زوج آموزش بایستی قادر به بدست آوردن مطالب جدید درقبل از هر جلسه درس باشند . مطالب جدید باید هرازچندگاه وسریع وآسان باشند . زوج آموزش ازپیش باید بداند چه سطحی را برای آموزش (سختی وآسانی) انتخاب کند ، به چه صورتی کاررا دنبال کند و چگونه واز کجا این نکات را کسب کرده و بیاموزد .

۱۰ - مراقبت وبررسی ، ونشان دادن واکنش

مراقبت وبررسی ، نشان دادن واکنش ودخالت برای به حداکثررساندن بازده آموزش ...

دست آوردهای پژوهشی

بررسی پژوهش های انجام شده روی آموزش های غیرحرفه ای بطور قاطع حاکی از مؤثر وسودمند بودن آنست . درواقع درگزارش ها ومتون منتشره ، تنها شماراندکی از بازده خوبی برخوردارنبوده اند . براین اساس ، آموزش غیرحرفه ای می تواند بسیار مفید ومؤثر واقع شود امّا این بدان معنی نیست که این روش همواره درهمه جا وخودبخود بازده بالائی داشته وخواهد داشت .

برای رسیدن به بیشترین بازده ، کاررا باروشی آزمایش شده که مفید ومؤثر بودن آن به اثبات رسیده ، شروع کنید . دربرنامه ریزی آموزش دادن به آموزگاروشاگرد غیرحرفه ای دقّت زیادی بخرج دهید ومطالب موردنیاز مناسبی را بکارگیرید . سپس ، بهمان دقّت ، انجام شدن آموزش غیرحرفه ای را زیرنظرگرفته ودرصورت نیاز ، واکنش نشان داده ومداخله نمائید .

* *یادآوری های سودمند*

* *منظوراززیرنظرداشتن* . شناسائی وحلّ هرگونه اشکال پیش از گسترده وعمیق ترشدن ؛ یافتن فرصت برای تحسین کردن مفید ومؤثر ونشان دادن اشتیاق برای بالا نگهداشتن انگیزۀ یادگیری درشاگرد ؛ اطمینان ازعدم وجود اختلال درشیوۀ آموزشی کاربردی ؛ بررسی وکنترل اینکه رابطۀ مثبت وسازندۀ زوج آموزش حفظ شده باشد ؛ اطمینان ازاینکه مطالب درسی دراندازه وسطح مناسب(سختی وآسانی) قرارداشته باشد ؛ ومرور وبررسی کلّی دراینکه پیچیدگی و مؤثربودن یادگیری درحدّ قابل قبولی حفظ شود .

* *راهنمائی درجهت ایجاد خودیاری درشاگرد* . طرح کردن مسأله ای معمولی باکلام وروشی که شاگرد را به فکرکردن وتمرکز وادارکند ولی اورا ملزم ومتعهّد نسازد ، باعث افزایش اعتماد بنفس دروی شده و بایافتن

پاسخ ، انگیزهٔ یادگیری دروی افزایش می یابد . ازجمله اینکه : این مسأله چطوری حلّ می شود؟ منظور اینست که شاگرد احساس کند که گویا آموزگارنیز دراین مـورد اشکال دارد . درمـتن هـای آموزشـی درخصـوص آموزش های غیرحرفه ای ازاینگونه نمونه ها یافت می شود که می توانید به آنها مراجعه نمائید .

* *پرسیدن اشکال* . به آموزش دهنده وآموزش گیرنده تفهیم کنید که بسیاری اززوج های آموزشی مانند آنها موقّتاً به مشکلی برمی خورند واین عادّی ومتداول است ، پس دراینگونه موارد آنهـا مقصّـر نیسـتند . آنهـا بایـد بدانند هرکدام به مشکلی برخوردند حتماً باید ازراهنما بپرسند(درمشکلی خاص یاهرگونه مشکل مرتبط با روش آموزش) . مثلاً اشکال شان راقبل ازدسترسی به راهنما وآموزگار خود درمدرسه می تواننـد اززوج هـای دیگـر بپرسند .

* *ثبت جریان آموزش* . زوج آموزشی بایستی پیشرفت خودرا به هرمیزان که باشـد نوشـته وثبـت نماینـد ، تـا آموزگار مراقب یا سازمان دهندهٔ آموزش غیرحرفه ای بتواند پس ازآن این یادداشت هـا وخـاطره نگـاری را مرتباً مورد بررسی وکنترل قراردهد .

* *گفتگو ومباحثه* . باآموزش دهندگان وآموزش گیرندگان درمورد چگونگی چیزهائی مانند برنامـه ریـزی یـا تقابل وپرسش وپاسخ ها صحبت کنید . اینکار را می توان درمورد هریک بطور خصوصی یـا بصـورت گروهـی شامل هردوگروه آموزش دهنده وآموزش گیرنده یا هرگروه جداگانه انجام داد .

* *مراقبت ونظارت مستقیم* . آموزش غیرحرفه ای رادرهنگام برگزاری با دقّت زیرنظـر بگیریـد . (پـیش بینـی و فرض را براین نگیرید که نیازی به نظا رت مستقیم نیست ، زیرا حتّی آموزش دهندگا ن کارآمد وهوشمند نیـز ممکن است دچار اشکال شده واشتباه کنند وخود متوجّه نباشند) . یک فهرست ازبازبینی عناصر تشـکیل دهنـدهٔ ترکیب آموزش غیرحرفه ای ترتیب دادن اینگونه مراقبت ها وتحت نظرداشـتن هـای مرتّـب و پیوسـته مفیـد خواهد بود . گاهی اوقات می توانید ازآموزش دهندگان ذخیره وجایگزین برای مراقبت وتحت نظرداشتن ها با استفاده از ازاین فهرست ، کمک بگیرید . درصورت امکان ازضبط صوت یا ضبط ویـد ئـوئی بـرای نظـارت و مراقبت استفاده کنید . این کار می تواند برای نشان دادن واکنش مناسب ومؤثر بـه زوج هـا بطورجداگانـه یـا گروهی برای تمام زوج ها ونیز درترتیب دادن طرح های بعدی آموزش های غیرحرفـه ای ، بـه شـما کمـک کند .

* هرگاه متوجّه شدید زوج های متعددی دچارمشکل هستند این بدان معنی است که آمـوزش هـای اولیـه در مورد آنها مؤثرنبوده ولذا به جلسهٔ آموزشی دیگری احتیاج است که آنرا به عنوان جلسـهٔ فـوق العـاده ترتیـب دهید .

نتیجه :

ازآنچه گذشت برمی آید که آموزش غیرحرفه ای حرکتی روبه پیش بـوده ودرجهـت ارتقـاء تحصـیلی هـر دانش آموزی ، مؤثر ومفید است . بهرحال ، هرگونه تلاش برای ایجاد فضـا وشـرایطی بـرای دونفـر کـه یکـی اندکی بیشتر ازدیگری می داند وبااشتیاق می خواهد برای نفر مقابلش دریادگیری وپیشرفت تحصیلی سودمند و اثرگذار باشد ، خود کاری ارزشمند وتحسین برانگیز است و دقیقاً همین شوروشوق صادقانه اسـت کـه سـرمایه اصلی برای برگذاری اینگونه آموزش ها به شمارمی رود .

وقتی این نخستین گام را که اتفاقاً گام اصلی است ، برداشتید ، لازم است کمی تعقّل وتمرکـز بخـرج داده و گام های بعدی را یک به یک وفقط یک به یک نه گاهی دوبه یک یا سه به یک و... بردارید . منظور اینست که تمام گام ها ومراحل رابدون اینکه یکی یابیشتر آنها را نادیـده بگیریـد ، پشـت سـربگذارید . درحقیقـت آنچـه می ماند ، برخورداری ازتجارب دیگرانی است که دراین قلمرو پیش ازشما گام برداشته وبه دسـت آورد هـای

کاربردی باارزشی دست یافته اند . بی گمان ، پشتیبانان جدّی اینگونه آموزش ، پدران ومادران هستند که در پی زمینه سازی برای موفقیّت فرزند یافرزندانشان درگذر ازامتحانات مدرسه وگام نهادن به پایه یا مقطع تحصیلی بعدی هستند . امّا نباید فراموش کنند که اگر می خواهند درنقش آموزگارغیرحرفه ای یا آموزش دهنده ، ظاهرشوند ، بایستی با نظام نوین حاکم برآموزش کشور ، آشنایی پیداکنند . زیرا روشی که درزمان تحصیل خودشان متداول بوده به احتمال بسیارزیادی متفاوت باشرایط فعلی است . این تفاوت به ویژه زمانی خود آشکار می گردد که پدران ومادران درصدد کمک به فرزند شان برای انجام تکالیف درسی اش بر می آیند . بخصوص اگر کودک یانوجوان مزبور درپایه ها ومقاطع تحصیلی بالا تری باشند ، این مسأله شکل حادّ تری به خود می گیرد که دراینصورت احتمال دارد نتایج ناخوشایندی بروز کند که جبران آن کارآسانی نباشد . دراینگونه موارد بهتر آنست که بامشورت آموزگاران ومسئولان مدرسه ، برآورد کنند که چگونه و به شکلی می توانند درتحصیل فرزندشان یاری گر آموزگاران مدرسهٔ وی بوده وباآنها همکاری وهمفکری داشته باشند .

احتمال دارد ، باتوجّه به نقطه نظرات وراه وروش های ارائه شده دراین نوشته ، این تصوّر درشما بوجود آید که آموزش غیرحرفه ای مقوله ای بسیارپیچیده ودشوار است . ولی به عکس ، واقعیّت اینست که چندان هم دشوار ونامکن نیست . شماکاررا باهمان مقداراطلاعاتی که ازمطالعهٔ این نوشته بد ست آورده اید ، شروع کرده وهمواره خودآموزی را مّد نظرداشته باشید . بسیاری ازمشکلات احتمالی که درمتن نوشته آمده هرگز همگی با هم و همزمان اتفّاق نمی افتد . ا صل قضیه اینست که شما حدا قل خود را برای برخورد با موانع و دشواری های احتمالی آماده کرده اید .

این نوشته تنها یک نقطه شروع است . بنابراین برای کسب آگاهی های بیشتر می توانید به دیگرنوشته های این مجموعه که تماماً درخصوص آموزش اززوایای گوناگون برای افراد غیرحرفه ای نگاشته شده ، مراجعه و برداش خود درزمینهٔ آموزش وتدریس ، بیفزائید . شاید اگر درجائی بتوانید یک جلسهٔ آموزش غیرحرفه ای بین دونفررا ازنزدیک مشاهده ومورد توجّه ودقّت قراردهید ، سرعت رسیدن به قابلیّت ها وتجارب موردنیاز برای شما افزایش یافته ودرکمترین زمان ممکن به آنچه که شمارا راضی می کند ، دست یابید . درواقع دربرخورد با زوج آموزشی غیرحرفه ای به نکات مثبت ومنفی کارشان توجّه نموده ودرموردشان فکرکنید . برآورد کنید که به چه میزان « اصول » ونقطه نظرات آمده دراین نوشته درزوج مزبور رعایت وچه اندازه نادیده گرفته شده است .

بهترین راهکار برای رسیدن به راه وروشی عملی تر ومؤثرتر ، بحث وگفتگو بادوستان ، همکاران ، نزدیکان و همسایگان ، درخصوص مطالبی است که دراین نوشته آمده است . بدون شک ازرویهم گذاردن تجربیات چند نفر به دیدگاههائی که به روش ایده آل بسیارنزدیک است ، دست خواهید یافت .

دراین مرحله است که اعتماد بنفس حاصل ازتعامل وتقابل بادیگران ، مهارت وکارآئی شما را به حدّی خواهد رساند که می توانید خود را یک آموزش دهندهٔ غیرحرفه ای ، حرفه ای بدانید .

پایان